

چکار کنیم تا امام زمان علیه السلام از ما راضی باشد؟



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد حمد و شکر الهی و سلام و درود فراوان بر محمد مصطفی (ص) و اهل بیت

طاهرینش

بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین

امام زمان برای شما از هر چیزی بهتر است اگر مومن هستید

بزرگترین نعمتی که خدا به ما شیعیان داده، نعمت وجود مبارک امام

زمان (ع) است.

زیرا بوسیله حضرت حجت علیه السلام برکات الهی بر ما نازل می گردد. بوسیله او

حاجتها روا میشود. بوسیله او گناهان بخشیده می گردد و...

اما حضرت از عده ای از شیعیان راضی هستند و از عده ای دیگر ناراضی می

باشند.

معیار مشخص بودن رضایت یا عدم رضایت حضرت از ما را از قرآن متوجه می

شویم. هر کاری را که قرآن تایید کرده مانند احسان به والدین ان کار مورد تایید

امام زمان (ع) هم هست و هر کاری که قران ان را مردود شمرده و حرام دانسته
مانند ظلم به دیگری حضرت هم از ان کار ناراضی هستند

ما که مرتب دعا می کنیم:خدایا قلب نازنین امام زمان از ما راضی و خوشنود
بگردان...باید ببینیم چکار باید بکنیم تا باعث رضایت حضرت از ما گردد.

چیزهایی که باعث رضایت حضرت میشود با بررسی آیات و روایات میتوان در
چند چیز خلاصه نمود:

یکی داشتن تقوای الهی

یکی داشتن اخلاق اسلامی

یکی داشتند بصیرت در دین

یکی هم اهل عبادت و شب زنده داری بودن

یکی هم داشتن شجاعت و نترسیدن از دشمنان

امام صادق علیه السلام درباره یاوران حضرت حجت (ع) فرموده است: «آنها
مردانی هستند که دل‌هایشان همانند قطعه‌های آهن [محکم] است؛ هرگز دچار
تردید نمی‌شوند...؛ پروانه‌وار دور شمع وجود امام می‌گردند و خود را سپر جان او

قرار می دهند...؛ در سراسر شب، نغمه‌های نماز و ذکر و عبادتشان چون صدای زنبور به گوش می رسد؛ آنها زاهدان شب و شیران روز و در برابر امام عزیزشان «کاملاً مطیع و تسلیم هستند...»

به طور طبیعی، هر یک از ما امیدواریم جزو یاران حضرت باشیم؛ چون هم به او عشق می ورزیم، و هم منتظر قدوم مبارک اویم و هم در دل و جان تصمیم به اطاعت از او داریم، ولی باید هم‌تمان آن باشد که در مقام یآوری، تا آنجا بالا رویم که مایه روشنی چشم ایشان باشیم، به گونه‌ای که امام به یاری ما دل گرم باشد، همان گونه که مالک اشتر برای امام علی علیه السلام این چنین بود و علی علیه السلام در فراق او و در ماتم او گریست و فرمود: «شما نمی دانید مالک که بود؟»

نکته دیگر آن است که در یاری امام عصر، فرقی بین زن و مرد نیست و هر کس می تواند با توجه به توانایی های خود، در خدمت امام باشد؛ زیرا یاری امام مهدی علیه السلام تنها جنگیدن و شمشیرزدن نیست تا مخصوص مردان باشد؛ همگان - چه مرد و چه زن - می توانند در جبهه یاوران امام زمان قرار گیرند؛ بنابراین، راه برای همه باز است تا جزو یاوران حضرت باشند، اما به شرط اینکه دارای خصوصیات که در روایت آمده باشند.

در این کتاب پیرامون این خصوصیات مطالب متنوعی آورده شده است.

زمستان 1404. کرمانشاه

داشتن تقوای الهی

اگر بخواهیم امام زمان(ع) از ما راضی باشد و انشالله جز. یاوران حضرت باشیم باید باتقوا باشیم.

تقوا یعنی گناه نکردن. از گناهان دوری نمودن.

اینکه اینهمه در قران به تقوا سفارش شده چون ادم باتقوا طلاست. چون ادم باتقوا امین است هیچوقت خیانت نمی کند. چشم پاک است. دست پاک است. زبانش از دروغ و از ناسزا و غیبت و... پاک است. قلبش از دغل و کلک و تقلب پاک است. هیچوقت به کسی ظلم نمی کند. همیشه خیرش به دیگران می رسد ولی شری از او به دیگران نمی رسد. خیرخواه دیگران است. واز ناراحتی دیگران ناراحت میشودو...

تقوا چند نوع است.

یکی تقوای نگاه. یکی تقوای زبان. یکی تقوای شکم. یکی تقوای جنسی

تقوا در نگاه کردن

خدا در قرآن فرموده ای پیامبر به مومنین بگو چشمهای خود را بر حرام ببندند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۗ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور ایه 30)

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است.

از مرحوم ارباب استاد ایه الله بروجردی و استاد مرحوم نخودکی نقل شده که من با خواهر زخم در یک منزل بودیم به مدت چهل سال. یکبار به خواهر زخم نگاه نکردم

آقا سید هاشم حداد می فرمودند: « من در تمام مدت سلوک در خدمت مرحوم آقا (قاضی) نامحرم نمی دیدم، چشمم به زن نامحرم نمی افتاد

.یک روز مادرم به من گفت: عیال تو از خواهرش خیلی زیباتر است

من گفتم: من خواهرش را تا به حال ندیده ام، گفت: چطور ندیده ای در حالی که بیشتر از دو سال است که در اطاق ما می آید و می رود و غالباً بر سر یک سفره غذا می خوریم؟! به رسم اعراب که زنانشان حجاب درستی ندارند و در منزل غالباً همه با هم محشورند؛ در عین عصمت تام و عفت کامل. من گفتم: والله! که یک بار هم چشم من به او نیفتاده است!! و این عدم نظر نه از روی حفظ و خودداری چشم بوده است؛ طبعاً حالشان اینطور بوده است

نظیر این مطلب را مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی از خودشان نقل کردند؛ البته در یک اربعین یا بیشتر، مرحوم قاضی دستوراتی برای ذکر و ورد و فکر به ایشان داده بودند که از جمله آثارش این بود که: هر وقت در کوچه و بازار که می رفتم چشمم به زن نامحرمی می افتاد، بدون اختیار پلکهایم به روی هم می آمد؛ و این مشهود بود که بدون اراده و اختیار من است

آیت الله مرعشی نجفی: هفتاد سال است که نگاه به نامحرم نکرده ام

چشم ترس مرحوم قاضی

خود ایشان می گوید: « چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود...»

حرمت نگاه به موی نامحرم

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: بر مومنان حرام است که به موی زنان شوهر دار و غیر شوهر دار نگاه کنند چرا که موجب تحریک شهوت و کشیده شدن به فساد می شود.

تذکر رسول خدا (ص) به پسر عمویش

امام صادق (علیه السلام) از امام باقر نقل فرموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هنگام رفتن به سوی عرفات اسامه را سوار کرده بود و همین که از عرفات افاضه کرد، فضل بن عباس را که جوانی خوش سیما بود در پشت سر خود سوار کرد.

در آن هنگام مرد عربی که همراه خواهرش بود و او نیز زیباروی بود، با پیامبر (صلی الله علیه و آله) روبرو گردیده و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤالاتی کرد و فضل بن عباس به خواهر او چشم دوخته بود.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون چنین دید دست خود را روی چشم فضل گذارده بود تا چشمش را از نگاه به نامحرم بیپوشاند، اما او از سوی دیگر به آن زن نگاه می کرد. تا اینکه آن مرد عرب پاسخ سؤالات خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریافت کرد و به راه خود ادامه داد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگاهی به فضل کرد و در حالیکه شانه اش را گرفته بود فرمود: آیا نمی دانی که این روزها از ایام المعدودات و ایام المعلومات است، که هر کس در مثل چنین روزهایی چشم و زبان و دستش را نگه دارد خداوند برای او مثل ثواب حج آینده می نویسد...

حضرت علی - علیه السلام - به نقل از انجیل می فرماید: "در تورات نوشته شده زنا نکن، ولی من می گویم اگر حتی با نظر شهوت آلود به کسی نگاه کنی همان". "وقت در دلت با او زنا کرده ای".

و نیز می فرماید: " نابینا بودن بهتر از نگاههای نامشروع است « پس فاصله بین نگاه
" و گناه اندک است

یا بن رسول الله! من #می خواهم حقیقت لیلۃ القدر را بفهمم

مرحوم آیت الله مولوی قندهاری می فرمودند: یک مدتی حرم امام رضا علیه
السلام می رفتم و عرض می کردم که یا بن رسول الله! من
#می خواهم حقیقت لیلۃ القدر را بفهمم

در همان ایام یک بار در حین زیارت امام رضا علیه السلام حس کردم از داخل
ضریح به قلب من یک مطلبی الهام شد که «
#اگر میخواهی حقیقت لیلۃ القدر را درک کنی،
«مواظب چشمهایت باش #»

ایشان می فرمودند: من خیلی مواظبت کردم تا حدی که حتی من در آن ایام به
مادرم هم نگاه نمی کردم و متوجه شده بودم که صور افراد در چشم من نباید
بیفتد

بعد می گفتند که وقتی این حالت غض بصر برایم ملکه شد، شب قدر آن سال که در حرم امام رضا علیه السلام بودم؛ لیلۃ القدر و قدریت لیلۃ القدر را یافتم که قضیه از چه قرار است و غیر آنچه هست که دیگران تصور می کنند

تقوای زبان

یعنی زبان را از گناه بازداریم. مثلا غیبت نکنیم. دروغ نگوییم. تهمت نزنیم. کسی رو مسخره نکنیم و...

بیش از ۸۰ گناه از این زبان بیرون میاد، بعضی عابدهای بنی اسرائیل ده سال حرف نمیزدند،،

واقعا اگر کسی در زبان ببندد در جهنم بسته است

در 62 سال زندگی غیبت نشنیدم

همسر مکرمه امام (ره):

شصت و دو سال با امام زندگی کردم و در این سالها یک غیبت از این مرد نشنیدم. یک کارگری در منزل داشتیم که خیلی کاری نبود لذا آن را تبدیل به کارگر بهتری کردیم. بعد از چند روز گفتم، آقا این خیلی کارگر خوبی است. آقا گفتند: اگر با این جمله می خواهی به من بفهمانی که قبلی خیلی خوب نبود، این غیبت است و حاضر نیستم بشنوم...

بدقولی از بی تقوایی است!

قول میده ولی عمل نمی کنه...

یکی از کارهایی که همه ما انسانها انجام می دهیم، قول دادن و یا وعده دادن است، به دیگران قول می دهیم که کاری را تا زمانی مشخص انجام دهیم. خب این موضوع شاید کاملاً بدیهی باشد، اما مشکل اینجاست که زیاد هستند افرادی که خوش قول نیستند و وعده ای می دهند و به آن عمل نمی کنند.

می توان قول دادن را از موارد عهد و پیمان شمرد. در این صورت بدقولی که

یک عمل خلاف اخلاق است به یک عمل خلاف تقوا تبدیل میشود.

دوستان قول میدهد راس ساعت ۳ سرفرار با شما حاضر باشد اما او یا اصلا نمی

اید یا ساعت ۳.۵ می آید.....

افرادی هستند که قرض می گیرند و قول میدند سر موعد قرض رو پرداخت کنند ولی پرداخت نمی کنند!

مسئولینی که به مردم قولهایی میدهند ولی به ان عمل نمی کنند!

زن و شوهرهایی که بهم قول میدند و یا به فرزندانشان قولهایی میدند ولی به ان عمل نمی کنند!

طراح تبلیغاتی به شما قول می دهد، تا ۵ روز دیگر کار شما را آماده کند اما این کار را به بهانه های مختلف تا ۱۰ روز به تاخیر می اندازد.

تامین کننده ماده اولیه شرکتی قول میدهد که تا ۳ روز دیگر، مواد اولیه در کارخانه باشد، اما او با دو روز تاخیر مواد را تحویل می دهد و کارخانه دو روز با مشکل نبود مواد اولیه مواجه می شود.

تعمیر کار خودرو به شما می گوید: خودرویتان تنها ۳۰ دقیقه کار دارد، اما تعمیر ماشین شما ۳ ساعت طول می کشد و شما مجبور می شوید ۳ ساعت از زمانتان را آنجا بمانید... و هزاران مورد دیگر از بدقولی بعضیها که باعث خسارت مادی یا خسارت معنوی به ادم میشه..

در حالی که پیامبر ما و امامان ما خوش قول ترین افراد بودند...

تقوای مالی

یکی از مهم ترین نوع تقوا که عده ای از مردم با آن مشکل دارند تقوای مالی است.

ما باید از مال حلال استفاده کنیم و اگر از مال حرام استفاده کنیم دچار عوارض خطرناک آن میشویم

نمونه هایی از بی تقوایی مالی

بعضی کارمندا دهها ساعت اضافه کاری می گیرند درحالی که اصلا اضافه کار نکردند

افرادی به اسم مشاور حقوقهای بالا می گیرند درحالی که اصلا کاری انجام نمی دهند و در محل کار نیستند

افرادی هستند که از کار خود می دزدند مثلا دانش اموزی می گفت معلم ما بجای درس در ساعت مقرر، کمی درس می دهد و بقیه را در راهرو سیگار می کشد

افرادی هستند با پول بیت المال هزینه های شخصی خود را می پردازند

مثلا شهردار یکی از شهرها، خانواده اش تهران هستند ایشان با پول دولت بلیط هواپیما می گیرد تا به تهران نزد خانواده اش برود

افرادی هستند سفرهای خارج بدون فایده برای خود و همراهان هزینه از دولت می پردازند. افرادی هستند پول می گیرند و پایان نامه به افراد می فروشند! افرادی هستند پول می گیرند و شهادت دروغ می دهند

و...

.انقدر بی تقوایی مالی در بین مردم و مسئولین است که حد ندارد

رشوه خواری جزو مال حرام است.

اقایی می گفت فاضلاب منزل گرفته بود. مامورین اداره اب آمدند. تا پانصد هزار تومن نگرفتند کار نکردند!

دیگری می گفت همین مشکل رو داشتم تا دویست هزار ندادم کار نکردند!

سومی می گفت وام می خواستم تا مقداری پسته برا رئیس بانک نبردم وام منو ندادند!

اقایی می گفت بنا بود زخم وضع حمل کنه. شب بود. خانم دکتر گفت باید ده میلیون نقد بیاری تا عملش کنم. گفتم خانم دکتر این وقت شب ده میلیون پول نقد از کجا بیارم. گفت تا نیاری عملش نمی کنم! منم رفتم با هزار التماس از این مغازه و اون مغازه ده میلیون تومن پول جور کردم دادم به خانم دکتر تا زخم رو عمل کرد!

و هزاران مورد رشوه خواری و زیر میزی گرفتن از این مردم مظلوم را شاهد هستیم. بنظر شما ایا امام زمان از این افراد ناراضی نیستند؟

گرانفروشی و کم فروشی و تقلب در اجناس جزو مال حرام است. در قنادی ها از روغن ناسالم استفاده کردن جزو مال حرام است. در رستورانها و کبابی ها و ... از گوشت ناسالم استفاده کردن جزو مال حرام. کره و روغن را از نامغروب تهیه کردن جزو مال حرام است.

کارمندان و کارگرانی که کم کاری می کنند پولی که می گیرند اشکال دارد. افرادی که خمس و زکات نمی دهند اموالشان جزو مال حرام است

با ماشین اداره کار شخصی کردن جزو بی تقوایی مالی است. باید مقدار استفاده شده از ماشین اداره را حساب کند و پولش را به اداره پرداخت کند همچنین استفاده از سایر امکانات دولتی همین حکم را دارد.

خانمی می گفت مادرم در خانه بهداشت روستایی کار می کرد مرتب از وسایل آنجا خانه می آورد! و می گفت مادرم که ماما است شاید بیشتر از صد مرد سقط جنین غیرقانونی انجام داده و پولشو گرفته و استفاده کرده ایم!

خانمی می گفت شوهرم مرتب از وسایل شرکت خانه می آورد و ما انها را استفاده می کنیم.

سرقت وسایل و امکانات دولتی یکی از انحرافات مالی بعضی از کارکنان است! با اینکه در قران و در روایات به ما گفته شده فقط مال حلال بخورید!

يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

یعنی ای مردم غذای حلال و پاکیزه زمین را بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست

عبادت هفتاد جزء است که بهترین جزء آن طلب روزی حلال است...

هر کس لقمه حلال بخورد، فرشته ای بالای سر او می ایستد و برای او طلب مغفرت می نماید تا زمانی که از خوردن دست بکشد...

هر کس غذای حلال بخورد خداوند قلب او را تا چهل روز نورانی می گرداند... در نهمین فراز دعای امام عصر (عج) چنین می خوانیم: «وَطَهَّرَ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ «الشبهه؛ خدایا! اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک پاک کن

لقمان در نصیحت به پسرش می گوید: من در راستای طول عمر و سفرهای خود با چهارصد پیامبر (ص) ملاقات کردم، به نصایح و اندرزهای آنها گوش فرا دادم، و از میان آن همه پندهای آنها چهار موعظه را گزینش نمودم، یکی از آنها این است: «هر گاه کنار سفره غذا نشستی، مراقب حلق خود باش که غذای حرام نخوری...»

اگر شیعه مال حرام بخورد حتما امام زمان (ع) از او ناراضی میشوند...

امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمودند: «لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا» کسی که به حرام، مال مومنی را بخورد هرگز دوستدار من نیست...

خانمی می گفت پانصد میلیون جمع کردم دادم دست آقای باش کار کند همه را برد! و هزاران نفر در کشورمان این گونه هستند مالشان را افرادی شیعه نما بردند! اینها هرگز شیعه نیستند و امام زمان علیه السلام از ادمای کلاهبردار مال مردم خور بیزار است...

مخصوصاً از ادمایی که در امانت خیانت می کنند! ادمایی که از بیت المال می دزدند!

در یکی از شب‌های آغازین خلافت، امام علی علیه السلام چراغی را در اطاق بیت المال روشن کرده مشغول محاسبات لازم بود که طلحه و زبیر بر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سلام کرده، وارد شدند و گفتند

با شما کاری داریم

امام فرمود

آیا مربوط به حکومت و امور مسلمین است یا به امور شخصی شما ارتباط دارد؟

پاسخ دادند: امور شخصی خودمان است

امام علی علیه السلام چراغی را که از بیت‌المال در مقابلش روشن بود خاموش، و چراغ دیگری را روشن کرد.

پرسیدند: چرا اینگونه عمل کردی؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ داد

روغن چراغی که روشن بود از بیت‌المال، و کار شما شخصی بود، روا نبود که روغن چراغ بیت‌المال در مصارف شخصی قرار گیرد، اما روغن این چراغ از اموال شخصی من است.

حال هر مقدار که می‌خواهید از مسائل شخصی خود بگوئید

طلحه و زبیر به یکدیگر نگاهی کردند و گفتند

• برویم، این مرد به راه دین می‌رود، و با ما معامله‌ای نخواهد کرد...

پس اگر بخواهیم حضرت از ما راضی باشد باید از مال حرام فاصله بگیریم.

تقوادر عفاف

اسلام به پاکدامنی خیلی اهمیت داده است و هرگونه ارتباط با جنس مخالف را خارج از ازدواج ممنوع نموده حتی دست دادن با نامحرم را حتی دست دادن با دختر دایی و دختر عمه را که فامیل هستند ولی نامحرمند را ممنوع کرده است. نباید مرد و زن نامحرم تنها در یک مکان باشند.

پیامبر (ص) فرمود: هیچ مردی با زن نامحرمی تنها نمی‌شود جز آنکه سومی آنها شیطان است. (مستدرک الوسائل 266/14)

در حدیث نبوی است:

کسیکه بازنی نامحرم، ازدبر نزدیکی نماید یا با مردی یا نوجوانی لواط کند، روز قیامت، بدبوتر از مردار، محشور می‌شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی‌گردد، سپس به جهنم می‌رود و همه اعمالش باطل می‌شود. در جهنم او را در تابوتی که میخ‌های آن از آهن است، گذاشته می‌شود و بر تابوت فرو می‌کنند، تا میخها در بدنش فرومی‌رود و اگر عرق او را

بر چهارصد امتّ قرار دهند، همه می میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

عفاف در خانواده

زن با نامحرم حتی برادر شوهر یا پسر دایی و.. نباید شوخی بکند. جلو نامحرم قهقهه نزنه. مقابل پدر و برادر لباس سنگین بپوشد و لباس تنگ و ساپورت و لباس تحریک کننده جلو او نپوشه. زن نباید به هیچ وجه از حجابش کوتاه بیاد. حتی اگر شوهر بگه جلو دوستانم روسری نپوش گوش نده و مقابل نامحرم با حجاب باشه.

تا ضرورت نشده بیرون نره و وقتی هم بیرون میره سعی کنه تو بازار و از جلو مغازه ها نره بلکه از کوچه ها بره.

سهل انگاری در نظارت بر فرزندان باعث میشود انها به گناه الوده شوند.

خانمی مذهبی می گفت دو تا دخترم دوست پسر دارند! گفتم اینکه حرامه لااقل! صیغه محرمیت بخونند! گفت نه صیغه خطرناکه ولی از دور مراقبشون هستم

طلبه ای می گفت

اقایی از من پرسید

چه جور میشه خانمی که عروس و داماد داره. شوهرش خوش اخلاق ادم خیلی خوبیه ولی یکدفعه زن درخواست طلاق می کنه و علتی هم ذکر نمی کنه؟

گفتم احتمالا پای مرد دیگری در میونه

دختری می گفت مادرم با مرد بیگانه ارتباط داره چه جور جلوشو بگیرم؟

اقایی می گفت برادرم خونه زن شوهر دار میره و ارتباط داره چه جور جلوشو بگیرم؟؟؟

خانمی می گفت مدتی با برادر شوهرم پیامک بازی می کردم حالا شوهرم فهمیده میخواد منو بکشه چکار کنم؟؟

زن شوهر دار به نامحرم پیام داد فدات. مرد جواب داد همه فدای امام زمان بشیم

..

نباید زن شوهر دار استیکر قلب برا نامحرم بفرسته

نباید زن شوهر دار از نامحرم پول یا هدیه قبول کنه

مهمانی ها را مواظب باشیم

مهمانی هایی که صورت می گیره بعضا درست نیست. طلبه ای می گفت ما رو برای عقد دعوت کردن مجلسی. رفتیم می بینیم که آقایون اون ور نشستن. خانوما بدم روسری با لباس های تحریک کننده این ور. همه بهم نگاه می کنن گفتم تا! این خانمها رو سری سر نکنند من عقد نمی کنم! اونا هم موقتا روسری سر کردند

چه جووری میشه تو مجلسی که همه مسلمانند! همه شیعه بودن خانمها بی روسری. اینا از یه استان دیگه اومده بودن خواستگار و همراهانش نامحرم بودن و چه جووری میشه که خانوما با دامن با لباس های زیبا آرایش کرده جلوی مردا بشینند؟

اینه که مهمانی های ما باید درست بشه

طلبه ای می گفت بنده جایی دعوت بودو با حاج خانوم رفتیم

صاحب خانه گفت دور هم بشینیم گفتم نه باید خانما جدا مردا جدا باشند

حضرت امام نشستن زن و مرد نامحرم ولو مثل دختر دایی باشه دختر عمه باشه

زن داداش باشه سر یک سفره حرام می دونستند

اگر ما به این توصیه ها عمل کنیم آمار طلاق میاد پایین آمار ازدواج میره بالا.

خودکشی ها دعواها جنایت ها کم میشه

اگر بخواهیم امام زمان(ع) از ما راضی باشه باید تقوا داشته باشیم و اهل گناه نباشیم. در این باره از ایه الله بهجت سوال شد چکار کنیم حضرت را زیارت کنیم و ببینیم؟ فرمود **حضرت طیب است شما باید طیب باشی تا بتوانی حضرت را ببینی**.

روش حضرت امام (رض) در مورد حدود ارتباط با نامحرم

از مسائلی که حضرت امام بیشتر به آن توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین « زن و مرد بود . یادم هست ده سال بیشتر نداشتم و با برادرها و پسرخاله ام قایم باشک بازی می کردیم. حجاب هم داشتیم؛ اما یک روز امام مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید؛ مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها بازی می کنید؟» (عاطفه اشراقی، نوه امام)

امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت گیرند. الان پسرهای من و حاج احمد آقا « 15، 16 ساله اند و اگر یک روز ما برای ناهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرها حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلا ما خانه خانم می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند . نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛

چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می دانند» (زهرا مصطفوی)

من 15 ساله بودم که مرحوم آقای اشراقی داماد ما شده بودند. یک روز ما « منزل ایشان دعوت داشتیم. همین جور که من و امام با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می آیند؛ ما در یک باغچه ای داشتیم حرکت می کردیم. من به امام گفتم: سلام بکنم آقا؟ گفتند: واجب نیست. من هم رویم نشد که سلام نکنم و از داخل باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبه رو نشوم!» (زهرا مصطفوی)

امام مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم. در منزل، حق « انجام هیچ گونه معاصی، از جمله غیبت، دروغ، بی احترامی به بزرگتر، و توهین به مسلمانان را نداشتیم. خصوصا روی معصیت توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند.» (فریده مصطفوی)

خانم هایی هستند میگویند ما عاشق امام زمان هستیم اما می بینیم حجاب درستی ندارند. ارایش کرده بیرون میرند. با نامحرم دست میدهند. فیلمهای بد می بینند. و رفتار خلاف عفاف دارند. آیا امام زمان از اینها راضی خواهد بود؟

یکی داشتن اخلاق اسلامی


خوش اخلاقی


امام زمان علیه السلام از ادم خوش اخلاق راضی هستند و از ادم بد اخلاق ناراضیند...

خوش اخلاقی در خانواده نسبت به والدین و نسبت به همسر و فرزندان خیلی مهم است.

اگر با والدین خوش اخلاقی کنیم هم حضرت از ما راضی خواهند بود هم ثوابهای عظیمی به ما می دهند

ثواب حجّ نرفته در نامه اعمالم

با تعجب دیدم که ثواب حج در نامه عمل من ثبت شده! به مأمور الهی با  لبخندی از سر تعجب گفتم: حج؟! من این اواخر مکه رفتم، در سنین نوجوانی کی مکه رفتم که خبر ندارم؟! گفتم: برخی اعمال باعث می شود که ثواب چندین حج در نامه عمل شما ثبت شود. مثل اینکه از سر مهربانی به پدر و مادرت ...نگاه کنی.

کتاب سه دقیقه در قیامت (تجربه نزدیک به مرگ) 

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود. برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به والدینش اسوه بود، به گونه ای که مادرش نقل می کند: «اگر پایین تر از او می نشستیم بلند می شد و می رفت جایی که پایین تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می کرد دست به سینه عقب می رفت و بعد برمی گشت

اما اگر با پدر و مادرمون بد اخلاقی کنیم حضرت از ما ناراضی خواهد بود.

شهید در جهنم؟

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد که حضرت موسی بن عمران به پروردگار عرض کرد که آن دوست من که شهید شد حالش چگونه است؟ خطاب رسید او

در جهنم است. عرض کرد پروردگارا **مگر شهید را وعده بهشت نداده‌ای؟**

فرمود: چرا ولی او اصرار داشت به آزردن پدر و مادر و من عمل کسی را که بر

پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی‌کنم

بعضی ازدواج‌ها نامبارک هست

مواردی هست که پسر قبل از اینکه ازدواج کنه خیلی با پدر و مادرش خوبه. به

اونها نیکی و محبت می‌کنه. همش دور بر اونهاست و مایه روشنی چشم والدین

اما همینکه ازدواج کرد اون همسرش، پسر را از پدر و مادر و برادر و خواهرش جدا

!می‌کنه. رابطه اونهارا قیچی می‌کنه

برادر شهیدی می‌گفت برادر دیگه ای داریم تهرانه. قبل از ازدواج خیلی با ما

خوب بود ولی از وقتی که ازدواج کرد دیگه ارتباطشو با ما و با پدر و مادرم قطع

کرد. و هیچوقت دیگه به دیدن ما نیامد. حتی مادرم مرد در تشییع جنازه اش

نیامد! مادرم روزای آخر نگاهش به در بود شاید پسرش بیاد ولی نیامد و مادرم از

. دنیا رفت

آقایی می گفت چهار سال میشه به مادرم که تو همین شهر است سر نزدم چون
!زنم اجازه نمیده

اینها عاق والدین هستند و در قیامت اینهارو به بهشت راه نمیدند. حتی بوی بهشت
رو هم استشمام نمیکنند...

دختر خانمی از بداخلاقی مادرش گلایه داشت. عرض کردم

اینقدر مادر حق داره که هرچی بدی هم کنه باز باید باش مهربون باشی

اقا پسری می گفت سر موضوعی با پدرم قهر کرده ام و اصلا می خوام برم شهر
دیگری زندگی کنم!

گفتم یک جعبه شیرینی بگیر و برو با پدرت اشتی کن و نذار یک موضوع

کوچکی به یک مشکل بزرگ تبدیل بشه و خدای نکرده جهنمی بشی!

همچنین خوش اخلاقی نسبت همسر و فرزندان برکات فراوانی برای انسان دارد.

خدا فرموده:

. عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ . یعنی با خوبی با زنان معاشرت کنید»

مطلب فوق شامل مشارکت مرد باهمسرش در خدمات خانه و استحباب وسعت در خردنی و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از خطاهایش و اینکه مرد هم بالباس خوب و بوی خوش با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان اگر چند همسری باشد و ... می شود هر مردی که با خانواده خود خوب تا کند خدا عمرش را زیاد می کند. **من حسن برّه باهله زادالله فی عمره...**

پیامبر اعظم ص: جلوس المرء عند عیاله احبّ الی الله من اعتکاف فی مسجدی

نشستن زن کنار شویش از اعتکاف در مسجد من در نزد خدا بالاتر است

خوش اخلاقی زوجین **از مهمترین دلایل استحکام خانواده است.** مردانی که عصبی هستند و زودرنج می باشند از زندگی لذتی نمی برند و همسر آنها از او در عذاب است

همچنین زنانی که بد اخلاق و زبان دراز و عصبی هستند کاری می کنند که شوهر از منزل فراری می شود

خانمی شکایت کرده بود که مدتی است شوهرم با من حرف نمی زند و مخارج من را بوسیله مادرش می فرستد. وقتی علت این کار را از مرد پرسیدند جواب داد. چون از دست بد اخلاقی زن به تنگ آمده ام لذا با او قهر کرده ام

گاهی بد اخلاقی زوجین کار را به جاهای باریک می کشاند. در خبرها آمده بود که مرد بیست و دو ساله‌ای همسر خود را به این علت که او را خر صدا زده بود با چاقو کشت

بخاطر بد اخلاقی با خانواده امام زمان از او ناراضی شد...

آیه الله حسن زاده آملی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بود مکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیه الله (عج) شریک خود نمایید و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند).

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت

کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم.

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، وقتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند

ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله «
و کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این
» رتبه و مقام رسید

آری در این راه نا همواریها، دست اندازها، پیچ و خمها و خطرهای زیادی هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضاء و جوارح خود را همیشه کنترل نماید.¹

اری اگر مرد با خانواده خود بد اخلاقی کند امام زمان (ع) از او ناراضی خواهد بود.

همچنین اگر زن با شوهر خود بد اخلاقی کند امام زمان (ع) از او ناراضی خواهد بود.

یکی از علما همسر بد اخلاقی داشت بطوری که همسر می آمد جلو شاگردها به این عالم بی احترامی می کرد...

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: **مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَقَامَتْ وَأَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَأَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوْلَ**

داستانهایی از اخلاق اسلامی¹

نویسنده: علی میرخلف زاده

مَنْ تَرَدُّ النَّارَ ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ
الْوِزْرِ وَالْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا.² یعنی هر زن یا
مردی همسرش را اذیت کند نه نماز های او قبول می شود و نه
سایر عبادات و کارهای خوبی که انجام می دهد. چنین زن یا
مردی اولین کسی است که وارد جهنم می شود اگر چه در تمام
عمرش روزها روزه و شب ها تا صبح عبادت کرده باشد و هر روز
بنده ای را در راه خدا آزاد کرده باشد و و اموال و دارایی خود را
در راه خدا انفاق کرده باشد.

یکی از عوامل بداخلاقی بر می گردد به عدم کنترل عصبانیت.

افرادی که عصبی مزاج هستند مرتب با اطرافیان و دوستان خود بدخلقی می کنند.

اولین چیزی دیدی بخور!

خدای عزوجل به پیامبری از پیامبران وحی فرمود: چون صبح کردی نخستین
چیزی را که با آن رو به رو شدی بخور و دومین چیز را مخفی کن و سومین را
پذیرا شو (پناه ده) و چهارمین را نومید مکن و از پنجمی بگریز.

وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 20، ص 163²

صبح که شد آن پیامبر به راه افتاد و با کوه سیاه بزرگی رو به رو شد. ایستاد و گفت: پروردگارم عزّو وجل مرا فرموده است که این را بخورم و متحیر ماندم، ولی به خود آمد و گفت: پروردگارم، جلّ جلاله، مرا به کاری که توانش را ندارم فرمان نمی دهد. لذا به طرف کوه رفت تا آن را بخورد. هر چه به آن نزدیک می شد، کوه کوچکتر می گشت و وقتی به آن رسید کوه را لقمه ای یافت و آن را خورد و دید خوشمزه ترین چیزی است که تا کنون خورده است سپس به راهش ادامه داد و تشتی زرین یافت، به خود گفت: پروردگارم فرموده است که این را پنهان کنم. پس گودالی کند و تشت را در آن گذاشت و رویش خاک ریخت و آن گاه به راهش ادامه داد. چند قدمی که رفت، برگشت ناگاه دید تشت از زیر خاک در آمده است. با خود گفت: من آن چه پروردگارم فرموده بود انجام دادم. لذا راهش را پی گرفت و رفت

ناگهان چشمش به پرنده ای افتاد که «بازی» او را تعقیب می کند. پرنده دور آن پیامبر به چرخش در آمد. با خود گفت: پروردگارم عزّوجل فرموده است که این را پذیرا شوم و پناه دهم. لذا آستین خود را باز کرد و پرنده داخل آن شد. «باز» به او گفت: تو شکار مرا گرفتی، در حال که من چند روز است دنبال آن هستم. آن

پیامبر گفت: پروردگارم عزوجل به من فرموده است که این را نومید نکنم. پس،
تگه ای از رانش را قطع کرد و پیش باز انداخت و به راه خود ادامه داد

در راه مردار گندیده ی کرم افتاده ای دید. گفت: پروردگارم عزوجل مرا فرموده
است که از این فرار کنم. پس از آن گریخت و برگشت. در خواب دید که انگار
به او گفته شد: تو آن چه بدان مامور شدی به انجام رساندی، حال آیا می دانی
این ها چه بود؟

گفت: نه. به او گفته شد

اما آن کوه، خشم است. بنده هر گاه عصبانی شود، از عظمت و شدت خشم
خودش را نمی بیند و قدر و ارزش خویش را نمی شناسد. اما چون خویشتنداری
کند و قدر و ارزش خود را بشناسد و خشمش آرام گیرد فرجام آن خشم چون
لقمه ی گوارایی است که می خورد

اما آن تشت عمل صالح است که هر گاه بنده آن را پوشیده بدارد و مخفی نگه
دارد، خداوند عزوجل آن عمل را آشکار می گرداند تا علاوه بر ثوابی که
آخرت او ذخیره می کند، در همین دنیا او را با آن آراسته گرداند

اما آن پرنده، مردی است که تو را اندرزی دهد. پس او را پذیرا شو و اندرزش را
قبول کن.

اما آن «باز» مردی است که برای حاجتی پیش تو می آید، چنین کسی را نومید
مگردان.

و اما آن گوشت گندیده، غیبت است؛ پس از آن بگریز.

هر حقی به گردن داری برو ادا کن!

آیت الله نجابت شیرازی (ره) می فرمود: وقتی که اولین بار خدمت ایه الله محمد
جواد انصاری عارف بزرگ، مشرف شدم فرمودند که برو هر حقی که گردنت
هست را ادا کن و بعد بیا. گفتم من طلبه‌ای را با اذن والدینش تنبیه کردم ولی
نمی دانم الان کجاست تا حلالیت بطلبم. فرمودند: باید بروی و پیدایش کنی که تا
ادا نکنی باب روحانیت، باب قرب، باب معرفت بازشدنی نیست.

مرنج و مرنجان

از مرحوم حاج آقا مجتهدی نقل شد که میفرمودند: آقای آخوند ملاعلی
معصومی همدانی از آقای نخودکی خواست که او را موعظه کند. آقای
نخودکی گفت: مــــرنج و مــــرنجان

آقای آخوند گفت مرنجان را فهمیدم یعنی کسی را اذیت نکنم. ولی مرنج یعنی
چی؟ چطور میتوانم ناراحت نشوم؟ مثلاً وقتی بفهمم کسی مرا غیبت کرده یا
!فحش داده چطور میتوانم نرنجم؟

آقای نخودکی گفت: علاج، آن است که خودت را کسی ندانی. اگر خودت را
کسی ندانستی دیگر نمی رنجی. اگر ما خودمان را دارای عزت و مقام خاصی در
این دنیا ندانیم و خودمان را در برابر خداوند هیچ بدانیم دیگر هیچگاه از سخن
دیگران ناراحت نمی شویم

مرحوم ایه الله سید علی قاضی می گفت من هیچی نیستم. مرحوم ایه الله بهجت
می گفت من گدا هستم! مرحوم اسید عبدالله شیرازی می گفت من هیچ بن هیچ
هستم! شیخ انصاری داشت با قایق می رفت. چون سرماخورده بود آبریزش بینی
داشتند. عربی داخل قایق گفت همه شوشتری ها اینجورند! و شیخ را مسخره کرد.
هنوز به خشکی نرسیده بودند ان عرب دل درد گرفت و مُرد! شیخ خیلی ناراحت
شد و گفت ای کاش وقتی این حرف را زد برایش استغفار می کردم

با بداخلاقی نورش رفت!

شیخ رجبعلی خیاط می گوید:

شب‌ی حوالی غروب از نزدیک مسجدی در اوایل خیابان سیروس تهران عبور ✨
می کردم. برای درک فضیلت نماز اول وقت، وارد شبستان مسجد شدم. دیدم
شخصی مشغول اقامه نماز است و هاله‌ای از نور اطراف او را گرفته

پیش خود فکر کردم که بعد از نماز با او مانوس شوم بینم چه خصوصیتی دارد
که چنین حالتی در نماز برای او پدیدار است

پس از پایان نماز همراه اواز مسجد خارج شدم. نزدیک درب مسجد، وی با خادم
مسجد بگومگویی پیدا کرد و به او پرخاش کرد و به راه خود ادامه داد

پس از عصبانیت، دیدم آن هاله نور از روی سرش محو شد.^۳ ✨

بهترین راه برای برخورد با تندى و بداخلاقی دیگران آنست که بد را به خوبی

پاسخ دهیم.

و يدرئون بالحسنه السيئه اولئك لهم عقبى الدار؛ در عوض بدی‌های مردم نیکی می‌کنند، اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند. (سوره مبارکه رعد، آیه ۲۲)

مثلاً اگر پدر یا مادر با ما بد اخلاقی یا تندی کردند ما در مقابل به آنها محبت کنیم به آنها خوبی کنیم. اگر همسر انسان مرتب نق میزند یا با زبان ما را اذیت می‌کند ما در مقابل بش خوبی کنیم بش محبت کنیم. اگر اینکار را انجام دهیم باعث رضایت امام زمان (ع) از ما میشود.

امام علی (ع): هنگامی که برادر [دینی] خود را دیدید و با هم دست دادید و خوشرویی کردید و بعد جدا می‌شوید، هر گناهی دارید رفته است و فرمود: «با دشمن خود هم دست بده؛ گرچه بد است. که خدا عزوجل بدان امر کرده و می‌فرماید: ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.....» (تفسیر اهل بیت ج ۱۳، ص ۵۳۶)

علاء بن حضرمی بر پیغمبر (ص) وارد شد و عرض کرد: «ای رسول خدا (ص) من خاندانی دارم که به آنها احسان می‌کنم و در عوض به من بدی می‌کنند با آنها صله می‌کنم و از من می‌برند»، رسول خدا (ص) فرمود: «ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.....» (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۴۱۵)

در روایتی از امیر المؤمنین (ع) چنین نقل شده است: **مِنْ كَمَالِ الْإِيمَانِ مُكَافَاهُ
الْمُسَىءَ بِالْإِحْسَانِ**.

از [نشانه‌های] کمال ایمان این است که بدی کننده را به نیکی پاداش دهی. (غرر
الحکم، تمیمی آمدی، ح ۹۴۱۳)

امام حسن (ع) در مقابل ناسزا خوبی کردند

مردی از اهالی شام در جمع دوستان خود در محلی نشسته و مشغول گفت و گو
بودند. در این هنگام، امام حسن مجتبی (ع)، به همراه تعدادی از اصحابش، از آن
محل عبور می کردند. وقتی مرد شامی، امام حسن و یارانش را دید و ارادت
أصحاب حضرت به ایشان را دریافت، به دوستان خود گفت: «این گروه را ببینید
که با چه هیبتی راه می روند. آیا شما آنها را می شناسید؟» یکی از آنان جواب
داد: «او که جلوتر از همه راه می رود، حسن بن علی است و همراهان او همگی از
بنی هاشم هستند و اکثر مردم ارادت خاصی به ایشان دارند و برای آنها احترام
زیادی قائل هستند.» در این لحظه مرد شامی از جای خود برخاست و خود را به
جمع گروه امام حسن رساند. رو به روی حضرت قرار گرفت و پرسید: «آیا تو
حسن، پسر علی بن ابی طالب هستی؟» حضرت با کمال آرامش فرمود: «بله، همین

طور است. من پسر علی بن ابی طالب هستم.» مرد شامی با حالت خاصی گفت:
«آیا خیال داری تو هم به راه پدرت قدم بگذاری؟» حضرت جواب داد: «مگر تو
«پدر من را میشناسی؟ آیا می دانی که پدر من مردی نیکوکار بوده است؟»

مرد شامی با عصبانیت جواب داد: «پدرت چه کار نیکی انجام داده است؟! تا
جایی که من اطلاع دارم، پدر تو کافر، بوده است؛ پس تو هم مانند پدرت، بی
دین و کافر هستی!» در این لحظه یکی از اصحاب حضرت به طرف مرد شامی
رفت و سیلی محکمی بر صورت او نواخت و او را نقش بر زمین کرد. در این
هنگام امام حسن به سمت مرد شامی خم شد و عبای خود را به روی او پهن نمود
و به اصحاب خود فرمود: «با ایشان کاری نداشته باشید، به مسجد بروید. من نیز
پس از مدتی به آنجا خواهم آمد.» اصحاب امام به سوی مسجد رفتند. امام حسن
(ع) دست مرد شامی را گرفت و او را از زمین بلند کرد و به منزل خود دعوت
کرد. مرد شامی دعوت امام را پذیرفت و با هم به سوی منزل حضرت رفتند. وقتی
به خانه امام حسن (ع) رسیدند، حضرت با خوشرویی و محبت، از آن مرد
پذیرایی کرد و یک دست لباس خوب به او تقدیم کرد. مرد شامی بعد از صرف
غذا و استراحت، از امام بسیار تشکر کرد و از محضر ایشان مرخص شد و
رفت. امام به مسجد رفت و مشغول عبادت شد. بعد از پایان نماز و دعا، اصحاب

امام گفتند: «یا ابن رسول الله! با آن مرد گستاخ و بی ادب چه کردید؟» امام حسن مجتبی (ع) ماجرا را برای دوستانش تعریف نمود. اصحاب حضرت گفتند: یا ابن رسول الله! او به شما و پدر بزرگوارتان توهین کرد؛ ولی شما به بهترین نحو از او پذیرایی کرده و به او محبت کرده اید.» امام فرمود: «بله من جواب بدی را با نیکی دادم و با این کار، ابروی خودم و اهل بیت (ع) را حفظ کردم. آن مرد نسبت به ما اهل بیت، بدگمان بود، ولی متوجه شد که اهل بیت پیامبر (ص)، با برادرانشان رئوف و مهربان اند.» بعد از این ماجرا، هر کس از مرد شامی خبری می گرفت، ماجرای محبت امام حسن مجتبی (ع) را برای همه تعریف می کرد و می گفت: «در جهان هستی، کسی مهربان تر و بهتر از حسن ابن علی (ع) نیست

با خوبی کردن عده زیادی مسلمان شدند

به هنگام «فتح مکه» که نه تنها دشمنان، بلکه دوستان، انتظار انتقام جوئی شدید مسلمین، و به راه انداختن حمام خون، در آن سرزمین کفر و شرک و نفاق و کانون دشمنان سنگدل و بی رحم را داشتند، و حتی بعضی از پرچمداران سپاه اسلام در آن روز، رو به سوی «ابو سفیان» کرده، و شعار **أَلْيَوْمِ يَوْمِ الْمَلْحَمَةِ، أَلْيَوْمِ تُسَبَّى الْحُرْمَةُ، أَلْيَوْمِ أَذَلَّ اللَّهُ قُرَيْشًا!** «امروز، روز انتقام، روز از بین رفتن احترام نفوس و اموال دشمنان، و روز ذلت و خواری قریش است» سر دادند، پیغمبر

گرامی اسلام (ص) با جمله **إِذْهَبُوا فَاتِمُّوا الطُّلُقَاءُ**: «بروید و همه آزادید»، همه را مشمول عفو خود قرار داد، رو به سوی «ابو سفیان» شعار انتقام جویانه را به این شعار محبت آمیز تبدیل فرمود که: **الْيَوْمَ يَوْمَ الرَّحْمَةِ الْيَوْمَ أَعَزَّ اللَّهُ قُرَيْشًا!** «امروز روز رحمت است، امروز روز عزت قریش است!» (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۰۹) همین عمل چنان طوفانی در سرزمین دل های مکیان مشرک، بر پا کرد که به گفته قرآن: **يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا**: «فوج، فوج مسلمان شدند و آئین اسلام را با جان و دل پذیرا گشتند...

در زمان طاغوت افرادی یکی از روحانیون رو اذیت کردند. او را که عازم سفر بود جلو ماشینش گرفتند و پایین آوردند و درحالی که هوابرفی بود او را اذیت کردند. بعد انقلاب این روحانی فرمانده کمیته شد و دستور داد ان چند نفر را آوردند. آنها با دیدن این روحانی معذرت خواهی کردند و درخواست بخشش نمودند و این روحانی هم فوراً آنها را آزاد کرد....

فردی که هر روز به پهلوی رهبرانقلاب لگد می زد

آقای دانشمند می گوید رهبر انقلاب در سفری به ایرانشهر از اطرافیان پرسیدند در زمان تبعیدم به اینجا یک رئیس پاسگاه اینجا بود کجاست؟ گفتند سنش بالا رفته و بازنشست شده. فرمودند هرطور شده پیداش کنید با احترام بیاریدش! این شخص سنی بود. به هر زحمتی بود پیداش کردند گفتند از طرف رهبر انقلاب آمدیم تا این را شنید از ترس رنگش پرید و افتاد روی زمین و شروع کرد به گریه که من نمیام. بالاخره آوردنش به محل اسکان رهبر انقلاب و در حیاط کنار حوض لوله آب را گرفت و گفت داخل نمیام تو رو خدا بهم رحم کنید! به رهبر انقلاب خبر دادند ایشان خودشان آمدند داخل حیاط تا رهبر انقلاب را دید وحشت کرد و شروع کرد به لرزیدن و می گفت سید تو رو خدا مرا ببخش! رهبر انقلاب بغلش کردند و گفتند برادر من دلم برایت تنگ شده! پیرمرد گفت شما می خواهید منو بکشید!

بالاخره رهبر انقلاب بردنش داخل اتاق و با او گرم گرفتند ساعتی با هم نشستند و مشکلاتش را برطرف کردند موقعی که این پیرمرد را برمی گرداندند از او پرسیدند جریان شما چه بود؟ گفت موقعی که ایشان اینجا تبعید بودند من هر روز می گفتم او را به پاسگاه بیارید و سیلی به گوشش می زدم به پهلویش لگد می زدم

و به مادرش ناسزا می گفتم و من وقتی شنیدم ایشان رهبر شده هر روز منتظر بودم
که بیایند مرا دستگیر کنند

.این پیرمرد، همسرش و بچه‌هایش با این رفتار رهبر انقلاب شیعه شدند

توصیه شهید باقری...

می گفت: اگر از دست کسی ناراحت هستید،

دو رکعت نماز بخوانید و بگویید

خدایا! این بنده تو حواسش نبود، من از او گذشتم، تو هم بگذر

اینطوری دلبری کردن از خدا

سیلی سرباز بر صورت شهید بروجردی

در دفتر فرماندهی سر و صدا به حدی رسید که فرمانده سپاه منطقه هفت از اتاقش بیرون آمد و جویای قضیه شد.

مسئول دفتر گفت: "این سرباز تازه از مرخصی برگشته ولی دوباره تقاضای مرخصی داره".

"فرمانده گفت: "خب! پسر جان تو تازه از مرخصی آمدی همیشه دوباره بری

یک دفعه سرباز جلو آمد و سیلی محکمی نثار شهید بروجردی کرد. در کمال تعجب دیدم شهید بروجردی خندید و آن طرف صورتش را برد جلو و گفت: "دست سنگینی داری پسر! یکی هم این طرف بزن تا میزان بشه

بعد هم او را برد داخل اتاق. صورتش را بوسید و گفت: "ببخشید، نمی دانستم این
قدر ضروری است. می گم سه روز برات مرخصی بنویسند

سرباز خشکش زده بود و وقتی مسئول دفتر خواست مرخصیش را با کارگزینی
هماهنگ کند گوشی را از دستش گرفت و گفت: "برای کی می خوای مرخصی
بنویسی؟ برای من؟ نمی خواد. من لیاقتش را ندارم

بعد هم با گریه بیرون رفت. بعدها شنیدم آن سرباز راننده و محافظ شهید
بروجردی شده؛ یازده ماه بعد هم به شهادت رسید. آخرش هم به مرخصی نرفت

اخلاق محمدی آخوند خراسانی

یک شخص سخنرانی بود و به خاطر اختلاف سلیقه ای که با آخوند خراسانی
داشت، در منبر به ایشان توهین می کرد. این فرد مشکل مالی پیدا کرد و قصد
داشت منزل خود را به فروش رساند. خریدار گفت به یک شرط منزل شما را

می-خرم که آخوند خراسانی آن را تایید کند. این شخص هم چون چاره ای نداشت با شرمندگی نزد آخوند خراسانی رفت و گفت که پای قولنامه را امضا کنند. آخوند خراسانی به ایشان گفتند: "چرا منزل خود را می-فروشید؟" آن شخص گفت که من گرفتاری پیدا کرده ام و به پول احتیاج دارم. آخوند خراسانی مقداری پول به او داد و گفت که خانه خود را بفروش و با این پول مشکل خود را حل کن. این کار مصداق زیباترین عفو و گذشت است. حال اگر کسی که دارای عفو گذشت نیست با چنین فردی برخورد می-کرد، به سرعت کارهای بدش را به او یادآوری می-کرد و می-گفت: "کاری خواهم کرد تا آخر عمر نتوانی خانه خود را بفروشی (هزار و یک نکته اخلاقی از دانشمندان)

بنابراین اگر می خواهیم امام زمان از ما راضی باشد به هیچ وجه نباید با دیگران بد اخلاقی کنیم و باید خوش اخلاق و مهربان باشیم.

یکی داشتن بصیرت در دین

شیعه باید بصیرت داشته باشد تا بتواند حق را بشناسد و دنبال راه حق باشد. شیعه ای که بصیرت ندارد گمراه میشود و دنبال باطل راه می افتد در این صورت امام زمان(ع) از او ناراضی خواهد بود.

یکی از ویژگی های اهل بصیرت آنست که دوست را از دشمن بخوبی تشخیص می دهد و جای دوست را با دشمن عوض نمی کند. //.

در تاریخ آمده که وقتی حضرت موسی از دنیا رفت همسرش بنام صفورا لشکری تهیه کرد و با حضرت یوشع که جانشین حضرت موسی بود وارد جنگ شد و شکست خورد. سوال: چرا عده ای به جنگ حضرت یوشع پیامبر خدا رفتند؟ مال بی بصیرتی است که گول زن موسی را خوردند! در زمان حضرت علی تاریخ تکرار شد و عایشه به همراه طلحه و زبیر به جنگ حضرت علی رفتند! ببینید بی بصیرتی با ادم چه می کند که افرادی به جنگ ولی الله الاعظم امیر مومنان حیدر کرار بادر و جانشین برحق پیامبر رفتند و جهنمی شدند. در فتنه 88 هم فتنه گران به مقابله ملت ایران و ولایت فقیه آمدند و هفت ماه فتنه گری کردند ولی عاقبت با حماسه نه دی فتنه آنها شکست خورد و سحر انان باطل شد. همه افراد دارای بصیرت می دانند که امریکا دشمن شماره یک ملت ایران است. آل سعود دشمن

ملت ایران است. اسرائیل دشمن ملت ایران است. منافقین دشمن مردم ما هستند. رضا نیم پهلوی دشمن مردم ایران است... کشورهای غربی دوست ما نیستند. / ماهوارهای فارسی زبان دشمن نظام اسلامی هستند و دروغگوترین رسانه ها می باشند // انهایی که بانکها را آتش می زنند دشمن مردم هستند. / انهایی که پلیسها را مورد حمله قرار می دهند دشمن کشورمان هستند. // افراد دارای بصیرت می دانند که ولایت فقیه تضمین کننده پیشرفت و امنیت و آرامش ملت ایران در همه ابعاد است. است. سپاه و بسیج دوست ملت ایران است. شورای نگهبان دوست مردم است. روحانیت دوست مردم ایران هستند. نیروهای امنیتی حافظ امنیت ملت هستند.

گفتند شخصی هست اهل نماز و مسجد و هیات ولی مخالف نظام جمهوری اسلامی و رهبری است. بنده عرض کردم ایشان نماز و کارهای خیرش باطل است. زیرا مخالفت با ولی فقیه مانند مخالفت با امام زمان علیه السلام است..

سردار دلها شهید سلیمانی گفتند:

مروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است

بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.
اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه
(حرم محمدی (ص)).

پس برادران، رزمنده‌ها، یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت‌به‌خیری نسبت شما
با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله، والله، والله! از مهم‌ترین شئون
عاقبت‌به‌خیری این است. والله، والله، والله! از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری رابطه
قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان این انقلاب را
به‌دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است

بخشی از بیانات سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

یکی از عوامل گرایش به باطل این است که در تشخیص دوست و دشمن
اشتباه می‌کند و دشمن را دوست و دوست را دشمن می‌گیرد و این اشتباه
وحشتناکی است

اینکه آن زمان ادم بیاید و علی (ع) را دشمن بپندارد و معاویه را دوست بداند
باعث میشود که عاقبت به شر شود و در جهنم ابدی بماند

یا در زمان ما افرادی هستند بخاطر این اشتباه ،امریکا و اسرائیل را دوست می
!داند و ولایت فقیه و روحانیت و سپاه و شورای نگهبان و ... را دشمن می داند

!اقایی گفته بود تا این روحانیت حاکمند من نماز نمی خوانم

پیرزنی گفته بود اگر اسرائیل ایران بیاید ایران اباد می شود

افرادی وقتی شنیدند اسماعیل هنیه یا سید حسن نصرالله شهید شده اند خوشحال
شدند

دختری گفته بود ما اصلا در خانه مان تلویزیون ایران را نگاه نمی کنیم. فقط
ماهواره

انقدر اینها در جهل و نادانی هستند. که در روایات است که وقتی امام زمان علیه
السلام ظهور کند همین ها به جنگ حضرت می روند و البته کشته می شوند و
روانه جهنم می گردند

و متأسفانه عده ای در کشور ما دچار این اشتباه شده اند و در صف باطل قرار
دارند. و بعضی انقدر لجباز هستند که هرچقدر ادم می خواهد او را آگاه کند
حاضر نیست حرف حق را بشنود

.اینها دشمن را دوست می داند و دوستان را دشمن

اینهایی که با جمهوری اسلامی و رهبری دشمنی می کنند بدانند در حقیقت با ولایت و با امام زمان(ع)دشمنند.

برای داشتن بصیرت باید با علما و فقها ارتباط داشته باشیم. باید پشت سر رهبر عزیزمان حرکت کنیم. باید با ادمای انقلابی رفیق باشیم و از ادمای ضد انقلاب فاصله بگیریم. باید از ماهواره فاصله بگیریم. باید مرتب از خدا بخواهیم به ما بصیرت بده و در خط حق همیشه باشیم.

یکی هم اهل عبادت و شب زنده داری بودن است

شیعه امام زمانی باید اهل نماز باشد. باید به نمازش اهمیت بدهد.

امام صادق(ع) در آخرین لحظات عمر مبارکش به فامیلها وصیت کرد که شفاعت ما به کسی که به نمازش اهمیت نمی دهد نمی رسد!

حقیقتا نماز هدیه بسیار مهمی از، طرف خداوند برا ماهاست. ما باید قدر این هدیه الهی را بدانیم همانطور که امامان ما قدر نماز را می دانستند و گاهی شب هزار رکعت نماز می خواندند.

نماز رو باید اول وقت بخونیم و فرق نماز اول وقت با اخر وقت مثل دنیا و اخرت است. لذا در قران فرموده ویل للمصلین. ا لذینهم عن صلوتهم ساهون. وای بر نماز خوانها. ان نماز خوان هایی که نماز رو سبک می شمزند... یعنی اخر وقت میخوند.... بعضی افراد موقع اول وقت نماز، به کار مشغولند در حالی که باید کار را تعطیل کنند و اول نماز بخوانن تا برکات الهی بر آنان نازل شود لذا باید به کار بکویند و وقت نماز است نه اینکه به نماز، بکویند وقت کار است!

نقل است خلبان شیروودی با خبرنگاران مختلف مصاحبه داشت یکدفعه وسط مصاحبه، رفت گفتند هنوز مصاحبه تموم نشده گفت وقت نماز است. حضرت امام در جلسه سران کشورهای اسلامی وسط جلسه بلند شدند و فرمودند وقت نماز است. امیرالمومنین (ع) در جنگ صفین در زیر تیرهای دشمن اول وقت نماز می خواند. امام حسین (ع) در ظهر عاشورا اول وقت نماز می خواند اینها برای ما درس است

متاسفانه افرادی هستند اهل هیات و عزاداری برا اهل بیت (ع) شاید بعضی شبها تا صبح هم برا امام حسین (ع) سینه می زنند ولی بی نمازند. اینها بدانند که امام زمان (ع) از آنها ناراضی است.

شیعه امام زمانی باید اهل تهجد و شب زنده داری باشد. حضرت از افرادی که اهل نماز شب و استغفار در سحرها هستند خوشش می آید.

وقتی علی بن مهزیار با فرستاده امام زمان ملاقات میکنند در این باره میگوید:

شبی در مطاف، جوان زیبا و خوش بویی را دیدم که به آرامی راه می رود و در اطراف خانه خدا طواف می کند. دلم متوجه او شد. برخاستم و به جانب او رفتم. تا متوجه من شد، پرسید از مردم کجایی؟ گفتم: از اهل عراقم. پرسید: کدام عراق؟ گفتم: اهواز. پرسید: خصیب (ابن خصیب) را می شناسی؟ گفتم: خدا او را

رحمت کند از دنیا رفت. گفت: خدا او را رحمت فرماید که شب‌ها را بیدار بود
و بسیار به درگاه خداوند می‌نالید و اشکش پیوسته جاری بود...

یعنی شب زنده داری و گریه‌های ابن خصیب در عبادت برای فرستاده امام
زمان(ع)مهم بوده است و باهت رضایت حضرت از ایشان بوده است...

درباره شیعیان حضرت آمده که شیران روز و عابدان در شب هستند.

بنابراین شیعه ای که به نمازش اهمیت نمی‌دهد و اهل نماز شب نیست نباید انتظار
داشته باشد حضرت از او راضی باشد...

یکی هم داشتن شجاعت و نترسیدن از دشمنان است

شیعه اهل بیت باید شجاع باشد و از مرگ نهراسد. از شهادت استقبال کند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده: «لا ینبغی للمؤمن أن یکون بخيلاً

. و لا جباناً»؛ سزاوار نیست که مؤمن بخیل و ترسو باشد

همچنین آن حضرت فرمود: «اللهم إني أعوذ بك من البخل، و أعوذ بك من

الجبن، و...»؛ خدایا از بخل و از ترس به تو پناه می برم

شجاعت مومنین باعث پیروزی است. باعث عزت است. باعث رضایت الهی

است. و مردم هم ادمهای شجاع را دوست دارند و انها را تحسین می کنند

شجاعت ان چنان نقش مهمی در پیروزی ها و شکست ها دارد که اگر اصحاب

امام حسین علیه السلام ترسو بودند، امام را تنها می گذاشتند و در امتحان الهی

مردود می شدند ولی انها همگی شجاع بودند و تا آخر ماندند. از قمر بنی هاشم

علیه السلام گرفته تا قاسم سیزده ساله و دیگر اصحاب امام حسین علیه السلام

. حماسه شجاعت اصحاب امام حسین علیه السلام در تاریخ ماندگار شد

از طرفی اینکه مردم کوفه ابتدا با حضرت مسلم، نماینده امام حسین علیه السلام در قیام، بیعت کردند ولی بعد از مدتی مسلم را تنها گذاشتند چون انهایی که با حضرت مسلم بیعت کردند ترسو بودند و به محض اینکه ابن زیاد آنها را تهدید به لشکر شام کرد آنها دست از حمایت از قیام حسینی برداشتند. و دچار ذلتی شدند که به فرمایش زینب کبری علیها السلام تا روز قیامت این لکه ننگ بر پیشانی مردم کوفه می ماند و هرگز پاک نخواهد شد.

راه برای غلبه بر ترس های نامطلوب،

بالا بردن ایمان و معرفت الهی و توکل بر خدا در همه کارها و در همه ساعات شبانه روز و انفاق کردن و داشتن استقامت بر انجام وظایف الهی است.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ آری کسی که در برابر خداوند تسلیم شود و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است، نه ترسی بر آنها است و نه غمگین خواهند شد... و باز فرموده است

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ «

هر گاه ایمان به خداوند یگانه و روز جزا بیاورند و عمل صالح انجام دهند نه ترسی بر آنها است و نه غمگین خواهند شد.

اهمیت شجاعت امت اسلامی در پیروزی

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص.....

شجاعت و نترسیدن از ارزشهای مهم انسانی است که آثار مثبت مهمی برای بشریت دارد و برای همین آثار مثبت هست که اسلام به شجاعت فرمان داده و از ترسو بودن نهی کرده است.

ملتی که شجاع باشند دچار ذلت و خواری نمی گردند همانند ملت ایران ولی مردمی که ترسو باشند عزت و شرافت خود را برباد می دهند مانند مردم کوفه در هنگام قیام امام حسین علیه السلام.

امام سجاد علیه السلام فرمود خدا به ما اهل بیت شش چیز داده از جمله آنها شجاعت هست

لذا امام زمان(ع) از ادمای شجاع خوشش می آید و از ادمای ترسو بدش می آید.

نقل است در تهران در دوران کشف حجاب، مدارس را مختلط کردند، زنان و دختران را مجبور کردند کشف حجاب کند و روحانیون را مجبور می کردند که در این چنین مجالس شرکت کنند خصوصا با همسرانشان. حضرت امام (رحمة الله علیه) تعریف می کنند که شخصی نزد آیت الله کاشانی آمد و گفت: گفته اند که اگر می شود شما در یکی از این جلسات با همسر خود شرکت کنید. آیت الله کاشانی فرمود فلان خورده اند که چنین چیزی گفته اند. آن شخص با تعجب گفت این را اعلی حضرت گفته اند! ایشان هم گفت من هم به اعلی حضرت گفتم که خورده!

عبدالله بن عقیف ازدی

از بزرگان شیعه ، که در مجلس ابن زیاد در کوفه ، به او اعتراض کرد . وی از شیعیان برجسته و زاهدان روزگار در کوفه بود ، نابینایی روشندل و آگاه و شجاع . چشم چپ خود را در جنگ جمل و چشم راست خود را در جنگ صفین از دست داده بود . پس از شهادت حسین (ع) وقتی ابن زیاد بر منبر کوفه بالا رفت و در نکوهش خاندان پیامبر و سیدالشهداء سخن آغاز کرد ، عبدالله بن عقیف با شدت و شجاعت ، پاسخ یاره های او را داد. عبدالله بن عقیف در برابر عبیدالله برخاست و با صدای بلند به او خطاب کرد: «یا ابن مرجانه! الکذاب ابن الکذاب

أنت و أبوك و من استعملك و أبوه، يا عدو الله أتقتلون أبناء النبيين و تتكلمون بهذا الكلام على منابر المؤمنين؟...» [۴] ای پسر مرجانه؛ دروغ گوی پسر دروغ گو، تو و پدرت و کسی که تو را امارت داد و پدرش می‌باشید، ای دشمن خدا؛ فرزندان پیامبران را می‌کشید و بر فراز منبر و مقام مؤمنین تکیه می‌زنید و سخنان کفرآمیز بر زبان جاری می‌کنید؟

ابن‌زیاد بر آشفت و گفت: گوینده این سخنان که بود؟ و عبدالله پاسخ داد: ای دشمن خدا گوینده آن سخنان منم. آیا فرزندان پاکی را می‌کشید که خداوند در کتابش ناپاکی را فقط از ایشان دور ساخته است، با این حال گمان می‌کنی که بر دین اسلام هستی؟ ای خدای فریاد رس! کجایند فرزندان مهاجران و انصار که از این سرکش انتقام بگیرند؟ از این کسی که خودش و پدرش در گفتار رسول پروردگار عالمیان مورد لعن قرار گرفته اند؟

ابن‌زیاد به مأموران خود دستور داد وی را دستگیر کنند...

اری شیعه امیرالمومنین نباید در مقابل اهانت دشمنان به ولایت سکوت کنند. نباید در مقابل منکرات سکوت کند

متأسفانه افرادی هستند که مومند و از آنها گناهی دیده نشده و اهل نماز و مسجدند ولی در مقابل گناه سکوت می کنند. اگر در مجلسی در مهمانی افرادی علیه اسلام صحبت می کنند اینها ساکتند. اگر تو تا کسی یا مهمانی افرادی به رهبری اهانت می کنند یا از دشمن تعریف می کنند اینها ساکتند. اینها بدانند که امام زمان از اینها ناراضی است.

ایه الله حق شناسی جایی مهمان بودند. افراد انجا علیه حضرت امام صحبت می کردند و ایشان جواب آنها را می دادند. وقتی ظهر شد ناهار آوردند. ایشان ناهار خوردند و به خانه برگشتند. موقعی که استراحت کردند در خواب امام زمان علیه السلام را دیدند که حضرت از ایشان انتقاد کردند و فرمودند وقتی دیدی آنها علیه فلانی حرف می زنند چرا ماندی و با آنها ناهار خوردی؟

شجاعت شیخ محمدتقی بافقی در برابر رضاخان

یکی از شخصیت‌های استثنایی که بدون ذره‌ای واهمه رضاخان را نهی از منکر کرد مرحوم شیخ محمدتقی بافقی است. شیخ محمدتقی بافقی ذره‌ای به قدرت او وقعی نمی گذاشت و بطور مدام به او نامه می نوشت و با لحن قاطع و تند او را نهی از منکر می کرد. از آنجا که خط او خوب نبود، اسم رضاخان را از صدر نامه حذف می کرد و به یک شیخی که خطش خوب بود می داد تا نامه را با خط

خوب بنویسد سپس خودش اسم رضاخان را در صدر نامه می‌نوشت. آن شیخ که بعداً فهمیده بود نامه‌ها با خط او به رضاخان ارسال شده و حشت، تمام وجودش را گرفته بود!

رضاخان موسس حوزه را توییح کرده بود که چرا به این شیخ اجازه بی‌ادبی و جسارت داده است تا اینکه آقای بافقی شجاعت را به اوج رساند و صبر رضاخان تمام شد. ماجرا از این قرار بود که زن رضاخان با دختران خودش به صورت مکشفه در ماه رمضان در ایوان صحن آینه حرم حضرت معصومه (س) حاضر می‌شوند، هیچ کس در شهر جرأت نمی‌کند به او تذکر دهد، وقتی خبر به شیخ محمدتقی بافقی می‌رسد با کمال دلیری و شجاعت به صحن می‌آید و بر سر زن شاه فریاد می‌زند و نهی از منکر می‌کند، زن شاه خود را به دفتر تولیت می‌رساند و به رضاخان زنگ می‌زند که اگر تا دو ساعت خودت را به قم نرسانی و این شیخ را عقوبت نکنی من زن تو نیستم و اینگونه می‌شود که رضاخان در اسرع وقت با جمعی سفاک و هتاک به قم وارد می‌شوند و تمام طلبه‌ها را مورد حمله و ضرب و شتم و اهانت قرار می‌دهند و رضاخان شیخ محمدتقی را شخصا مضروب و با خود به تهران می‌برد و به شاه عبدالعظیم تبعید دائمی می‌کند...

اما او شخصیتی است که حضرت از او راضی است و در یک سفر پیاده از نجف
تا مشهد، سه بار حضرت را زیارت می کند...